

## عنوان مقاله:

رابطه گونه روایی و شتاب منفی داستانی با کارکردهای زبان غنایی

## محل انتشار:

مجله نثر پژوهی ادب فارسی، دوره 19، شماره 39 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

## نویسندگان:

مولود طلائی - دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

محمدرضا نصر اصفهانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

طاهره خوشحال - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

حسین آقاحسینی - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

نوع غنایی، وسیع ترین نوع ادبی زبان فارسی شناخته می شود که با در بر گرفتن شاخه های مختلف با عواطف و احساسات انسانی رابطه دارد. منظومه سرایی عاشقانه که از مهم ترین بخش های ادب غنایی است، بستری مناسب برای پژوهش های ساختاری فراهم می کند، زیرا از یک سو با زبان غنایی و از سوی دیگر با اصول داستان نویسی سروکار دارد. عصر صفوی که دوران رشد و شکوفایی منظومه سرایی عاشقانه است، از این حیث اهمیت قابل توجهی دارد. خورشید و مهپاره از منظومه های نسبتاً طولانی عصر صفوی است که پژوهشگران کمتر بدان توجه داشته اند. پیرنگ کامل این اثر با داشتن چهار داستان فرعی، نگارندگان را بر آن داشت تا الگوی زبان غنایی را با استفاده از این منظومه استخراج کنند و روابط میان گونه روایی و شتاب منفی را در آن تبیین کنند. با توجه به نقش های شش گانه زبان، زمانی که گونه روایی بر راوی متمرکز است، (+) عملکرد عاطفی زبان و زمانی که کنشگران در محور توجه قرار می گیرند، (+) عملکرد ادبی زبان به اوج می رسد. از سوی دیگر شتاب منفی معلول توصیف ها، عمل ذهنی و تفسیر است. اوصاف آفاقی و بیرونی با کارکرد ادبی و عمل ذهنی انواع شکوائیه، نجوی، واگویه و... با کارکرد عاطفی زبان غنایی ارتباط مستقیم دارد. کارکرد القایی نیز بسیار کم رنگ و در بخش های تعلیمی و تفسیری منظومه نمود یافته است.

## کلمات کلیدی:

منظومه خورشید و مهپاره، گونه روایی، شتاب منفی، کارکرد ادبی زبان، کارکرد عاطفی زبان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/894592>

